

پاسخهای آقای دکتر سعید رجائی خراسانی

آقای دکتر رجائی خراسانی دیدگاههای خود را در زمینه پرسشهای ده گانه‌ای که از سوی «گزارش» به ایشان ارائه شده بود در قالب یک مقاله و زیر عنوان «ارزیابی وضع اقتصادی و فرهنگی کشور از دیدگاه دکتر سعید رجائی خراسانی» ارائه کرده که ذیلاً درج شده است.

●●●

مردم شریف اسلام پناه ایران با تأیید خداوندی و به رهبری خمینی کبیر انقلاب اسلامی ایران را به خاطر دستیابی به استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی به پیروزی رساندند، به تعبیر دیگر نظام جمهوری اسلامی به امید آرمانهای بلند آزادی و استقلال برپا شد.

اکنون هیجدهمین سالگرد انقلاب را پشت سر گذاشته‌ایم. در این دوران بسیار سخت و پر نشیب و فراز دو مرحله حساس و سرنوشت‌ساز که هر یک با مقتضیات و مشکلات ویژه خود همراه بودند با فداکاری و جانفشانی مردم صبور و قدرشناس کشورمان با پیروزی سپری شدند. یکی دوره خروشان انقلاب و فروپاشی استبداد شاهنشاهی و تحول بنیادی در فرهنگ و سیاست کشور بود که با همت والای مردم بفرجامی نیکو و آبرومند پیوست. ضایعات مالی و اقتصادی این دوره کم نبود. منابع زیادی توسط حکام فراری از کشور خارج شد. خسارت‌های سنگین دیگری نیز از طریق ایستاکردن چرخهای تولیدی و خدماتی و اعتصابیانی که در مسیر مبارزه علیه استبداد شاهنشاهی غیرقابل اجتناب می‌نمود به کشور تحمیل شد. اما این خسارتها در واقع بهای سنگینی بود که می‌بایست برای اسقاط نظام پیردازیم. به امید دستیابی به آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی بیش از این هم اگر لازم می‌بود پرداخته بودیم.

امام خمینی کبیر بر خلاف همه رهبران انقلابی جهان معتقد به ابقاء و اطاله دولت انقلاب و شرایطی انقلابی نبود. برعکس، ایشان معتقد بود که در اسرع وقت از مدیریت انقلابی به دولت رسمی نماینده مردم سربرده شود. وفاداری به شعارهای مردم (یعنی آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی) هم اقتضای همین بود در اسرع وقت مقدمات تدوین قانون اساسی فراهم گردد و افزایندهای حکومتی و نهادهای اساسی و قانونی لازمه آرمانهای آزادی و استقلال با نظر مردم که موتور محرکه انقلاب اسلامی بودند تأسیس گردد. هنوز ارکان سیاسی نظام پا نگرفته بود که با حمله

صدام دومین مرحله تاریخ انقلاب، یعنی دوران جانکاه و سخت جنگ تحمیلی فرا رسید؛ جنگی که بخش بسیار وسیعی از نیروی انسانی و منابع مالی و اقتصادی کشور را در کام خود فرو برد. مردم ایران با کرامت و سخاوتی که در کمتر ملتی می‌توان یافت کلیه شرایط محافظت از انقلاب و کشورشان را بدون کمترین اندوهی پذیرفتند و با بذل جان و مال و ایثارگریهایی که در تاریخ نظیر ندارد، شجاعانه برای دفاع از وطن اسلامی خود کمر همت بستند. چنان



دکتر سعید رجائی خراسانی

جنگیدند که به تجاوزگران همیشه تاریخ درسی جاودانه آموخته باشند که «من قتل دون عرضم و ماله فهور شهید». خرابیها و خسارات جنگ تحمیلی را کارشناسان بین‌المللی در حد هزاران میلیارد دلار تخمین زده‌اند. وضع اقتصادی کشور در هنگام قبول قطعنامه ۵۹۸ و خاتمه جنگ تحمیلی که در واقع آغاز دوران بازسازی است اصلاً خوب نبود. حداقل این که ضایعات اقتصادی دوران آشفتگی انقلاب و خرابیها و خسارت‌های دوران جنگ که با ارقام نجومی تخمین زده می‌شد، بر پیکر خسته و مجروح مردم قهرمان ایران خستگی می‌کرد. اما در برابر همه این خسارات و ضایعات مردم ایران از سوته آزمایش تاریخ در معیارهای دین ساوری، وطن دوستی- اتحاد و یکپارچگی- ایثار و جان‌فشانی و شجاعت و سلحشوری پیروز درآمده بودند. بازسازی کشور به کمک ملتی چنین مصمم و با این همه فضائل اخلاقی مشکلت‌تر از تحمل هشت سال جنگ تحمیلی نبود. به

علاوه با خاتمه جنگ تحمیلی و چشیدن شهد پیروزی فرصت آن رسیده بود که مردم بلند اختر ایران شاهد آزادی و استقلال را در پناه مدینه فاضله جمهوری اسلامی در آغوش بگیرند. مشروط بر این که در این مرحله که با قبول قطعنامه ۵۹۸ و خاتمه جنگ تحمیلی آغاز می‌شود از همه امکانات کشور با نبوغ و کاردانی و درایت و دقت برای جبران خرابیها و بازسازی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور استفاده کنیم. این مرحله در واقع همان مرحله جهاد اکبر بود که می‌بایست مدیریت کشور با پرهیزگاری، سازگاری، قناعت، صبره جوئی، درایت و اندیشمندی و با بکارگیری همه توان فکری جامعه به بازسازی همه جانبه وطن اسلامیمان بپردازد.

از آن تاریخ تاکنون یک برنامه عمرانی پنجساله به اجرا درآمده و با یکسال فترت و توافقی غیرقابل اجتناب ولی غیرموجه برنامه پنجساله دوم هم پس از تصویب مجلس به قوه مجریه سپرده شده است که اینک در میانه اجرای آن هستیم. اکنون که انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری فرا رسیده است، باوجود این که خبر از آمار و اطلاعات موازنه، و حسابرسی دقیق عملکرد این هشت سال گذشته نداریم می‌خواهیم با قرآنی تخمینی و بصورت سرانگشتی اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان را ارزیابی کنیم تا ببینیم در چه وضعی هستیم و رئیس جمهور آینده کشور را در چه وضعیتی تحویل می‌گیرد و با چه مسائلی باید دست و پنجه نرم کند.

اگر از حق نگذریم در بازسازی مناطق جنگ زده برنامه‌های غیرقابل انکاری اجرا شده، تعداد واحدهای صنعتی کشور افزایش یافته، کارخانه‌های قابل ملاحظه‌ای برپا شده، میزان خاموشیها کم شده، تولید پیکان و دیگر خودروهایی مونتاژ داخل علیرغم سقوط کیفیت تولید فزونی گرفته، همچنین تولید سیمان، آهن، مس، منسوجات، فرش ماشینی، طایر و بسیاری دیگر از کالاهای مورد نیاز جامعه نیز افزایش یافته است. بخش کشاورزی بدلیل این که بطور سنتی در دست خود مردم بوده است از توفیق نسبی بیشتری برخوردار است. البته سیاسی کردن توزیع تراکتور، وسیله یدکی، کودشیمیایی و دیگر امکاناتی که در دست دولت بوده از یک طرف، و فقدان برنامه‌ریزی و تضمیناتی که برای حمایت از تولیدات کشاورزی لازم است، از طرف دیگر، مشکلاتی برای این بخش

◀ **دوره هفتمین انتخابات ریاست جمهوری**

بوجود آورده است ولی مجموعاً بخش کشاورزی که به دست مردم اداره می‌شد، از توفیقات نسبی بهره‌مند شده است.

علیرغم هتمه افتخارات وسیعی که در ساختن سد ها و سیلوها و کارخانجات گوناگون و بویژه در بخش کشاورزی مدعی آن هستیم، وضع اقتصاد کشور رضایتبخش نیست. تورم همراه با رکود از جمله تنگناهای بسیار سختی است که خدا کند گریبانگیر هیچ ملت نشود.

بهر حال ما هم از تورم رنج می‌بریم هم از رکود. به غیر از بخش کشاورزی بقیه صنایع کشور تقریباً بطور کامل در دست دولت است و لذا دقیقاً نمی‌دانیم که همه این تولیدات و سازندگیها تا چه اندازه با مدیریت صحیح و رعایت صلاح و صرفه اقتصادی همراه بوده است. اگر قرار بود صادقانه و درست ارزیابی کنیم می‌بایست بتوانیم میزان دقیق ریخت و پاشهای قابل اجتناب، دوباره کاریها، ضایعات، پرت مدیریت، و لخرچیها و یا صرفه‌جوییها و امانت‌داریها را بدانیم تا بتوانیم درباره مدیریت، سوء مدیریت، کاردانی و ندانم کاری دولت اظهار نظر کنیم. صرف آجر و سیمان و آهن و آسفالت و برق و پیکانهایی که مصرف آنها با تولیدات مشابه خارجی اصلاً قابل مقایسه نیست و حتی تضمین سی هزار کیلومتر کار بی‌درد سر را هم ندارد و مخصوصاً که بدور از چشم تولیدات مشابه خارجی و بدون هیچگونه رقابت و با قیمتی که بر اساس دلالت‌سازیهایی بازار آزاد تعیین می‌شود، نمی‌توان درباره ارزش سازندگی این سالها تصمیم گرفت.

ما در وضعی هستیم که بدون حساسی و اعداد و ارقام، افتخارات و پیروزیهای صنعتی و اقتصادی از آن ماست و مشکلات و خرابیها هم ناشی از رذالت‌های استکبار جهانی، بنابراین ما همیشه موفقیم! اما صرف‌نظر از این برخوردها و ارزیابیهای سیاسی، موازین جسته و گریخته و سرانگشتی برای ارزیابی دقیقتر از وضع اقتصادی کشور وجود دارد که می‌توان به کمک آنها تخمین‌هایی درباره سلامت اوضاع بدست آورد.

۱- می‌دانیم که بی‌نظمی در دستگاههای اجرایی زیاد بوده.

۲- رابطه بازی بر اجرای ضابطه و حاکمیت قانون غلبه داشته.

۳- انتصابات همیشه بر اساس صلاحیتها نبوده.

۴- توان علمی و منابع پژوهشی کشور بطور کلی نادیده گرفته شده بوده و منابع ملی و بودجه‌های دولت بجای اینکه در دانشگاهها و مراکز پژوهشی کشور و برای توسعه دانش و تکنولوژی و حل مسائل کشور به مصرف برسد، بیشتر صرف خریدهای خارجی شده و عملاً در خدمت افزایش اشتغال و توسعه منابع

پژوهشی و تولیدی کشورهای غربی قرار گرفته و در نتیجه دانشگاههای ما که می‌بایست مغز اندیشمند جامعه و دولت باشند، مثل هر عضوی که بکار گرفته نشود عملاً عاطل و باطل و مستضعف مانده و به مرحله اضمحلال رسیده است.

۵- گرایش به خرید خارجی و مفاسد و تبعات نامطلوب خریدهای بی‌حساب و کتاب دلاری به حدی بالا گرفته بود که مجلس شورای اسلامی مجبور به تصویب قانونی مبنی بر حرام و جرم بودن اخذ درصدهای حق‌العمری (پورسانت) توسط مسئولین، الزام وزارتخانه‌ها به بستن دفاتر خرید خود در خارج از کشور، و اجبار آنها به انعقاد همه قرار دادها در سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی و بسا اطلاع نمایندگان های سیاسی خارج از کشور نموده است. هر چند که بقرار اطلاعاتی که گاه گاه از سفارتخانه‌های خودمان دریافت می‌کنیم همین مصوبات هم بطور دقیق به اجرا در نیامده است.

۶- بی‌توجهی به وضع کارمندان و کارکنان کشور و فقدان هرگونه نظارت و کنترل بر قیمتها و نبودن ارزیابی موسمی یا تصادفی بر عملکردها، باعث فساد اداری شده است؛ بطوری که کارمندان دولت یا مجبور شده‌اند به اکل میته پناه ببرند و یا با کار کردن دو هفته و سه هفته در جباهای مختلف در تأمین معاش جان بکنند. گویا یکی از ملاکهای بین‌المللی برای تعیین میزان توسعه یافتگی چگونگی گذران اوقات فراغت است. اگر با این ملاک به سراغ کارمندان دولت و کارکنان برخی از واحدهای غیردولتی برویم معلوم خواهد شد که در طیف توسعه یافتگی کجا قرار می‌گیریم؟

۷- امنیت حقوقی افراد خیلی تضعیف شده است. اگر شما کاری با ادارات نداشته باشید مشکلی ندارید. معنی بی‌کسی و بی‌قانونی را وقتی متوجه می‌شوید، که نیاز به حمایت قانون داشته باشید. فقط در آن صورت خواهید فهمید که مردم در خم و چم کارهای اداری چه می‌کنند؟

۸- اختلاس، سوء استفاده، حیف و میل منابع و امکانات در دستگاههای اجرایی متداول شده است. نمونه‌هایی باورنکردنی از این حرکات که با موازین و آرمانهای انقلاب و جمهوری اسلامی هیچ نجاسی ندارد در شعب بانکها، وزارتخانه‌ها، شهرداریها و ارگانهای اقتصادی دولتی و غیردولتی، گزارش شده و از طریق مطبوعات و رسانه‌های رسمی به اطلاع مردم هم رسیده است.

۹- دیوان محاسبات از عملکرد دستگاههای اجرایی اجمالاً ناراضی است.

در نتیجه شرایط و عملکردهای فوق وضعیتی به وجود آمده است که

۱- فواصل طبقاتی افزایش یافته و بدبینی،

افسردگی سیاسی، ناامیدی و بی‌اعتمادی به همه چیز در جامعه و به خصوص در نسل جوان قوت گرفته است. بطوری که رغبت مشارکت از مردم سلب شده و نتیجتاً حتی در انتخابات ریاست جمهوری که بهترین فرصت مشارکت مردم در بازسازی نظام مدیریت و شبکه اجرایی کشور است، خود قوه مجریه باید با نقاب کارگزاران و با استفاده از امکانات و منابع مردم وارد صحنه شود و تنور انتخابات را گرم کند!!! آخر مسئولین اجرایی را چه کار که بیابند وزیر نقاب کارگزاران برای مردم نماینده مجلس و رئیس جمهور انتخاب کنند؟ آخر چرا این تئوری که مال خود مردم است اینطوری سرد می‌شود که حالا همه می‌کوشند به خرج خود مردم گرمش کنند!!!

۲- مشکلات اشتغال و مسکن جوانها حل نشده، و نتیجتاً میزان ازدواجها رو به کاهش و طلاقیهای ناشی از بیکاری، کمی درآمد نان‌آوران خانه‌ها افزایش یافته و نتیجتاً زمینه بروز خطر فساد و فحشاء فراهم شده است.

۳- میزان مفاسد اخلاقی و بی‌بندوباری و بدتر از همه بی‌اعتمادی به تبلیغات رسمی و شعارهای اخلاقی افزایش یافته و متأسفانه فرصت برای اشاعه ارزشهای غیراصیل و گاهی غیراسلامی فراهم شده است. خطر بی‌فرهنگی و بی‌اعتقادی را نباید دست کم گرفت. اطمینان ندارم که ما طوری عمل کرده باشیم که نسل جوان به کفایت، صداقت و کارآمدی مدیریت ما مغرور و مباهی باشد و لذا به شعارها و ارزشهایی که ما می‌خواهیم مبلغ و معلم آن ارزشها باشیم رغبت نشان دهد. بهرحال واعظ تا متعظ گوش شنوای زیادی نخواهد یافت.

۴- در برخی از صفحات دور افتاده کشور مردمی را که دستشان بدهنشان می‌رسد می‌شناسم که در بین آنها سگهای ملوس خانگی به قیمت پنجاه تا صد هزار تومان معامله می‌شود. در آن صفحات، سگها برنامه حمام، شام و هوله دارند. اعتیاد به تریاک و هروئین در بین جوانهای حتی زیر بیست سال (اعم از پسر و دختر) بیداد می‌کند آن انسان لیتنی آن راه استغنا.

در عین حال مراسم سنتی سینه‌زنی، روضه خوانی و شبیه‌گردانی هم مثل همیشه، ولی بدون اثر همیشه، همچنان ادامه دارد. برای آنها که با ملاک حفظ سنتها می‌سنجند، حجاب دختران، ریش و انگشتر عقیق پسران و در ایام متبرکه، همه سنن تعزیه‌خوانی و شبیه‌گردانی مایه دلگرمی است. اما کمی ژرفتر که می‌نگری درمی‌یابی که در همه این سنتها، معجون از سنگرایی و تظاهر، بهره‌رگاری صادقانه و سالوس، عبادت و ریا و حتی جلوه‌هایی از دل بستگی به مظاهر فرهنگ عامیانه که ربطی به عبادت مستحبی و سلوک الهی‌الله ندارد در کار است. خلاصه هر کسی بکار خود مشغول است. این آشننگی فرهنگی، دهسال قبل وجود

نداشت. همین مردم به جبهه‌های دفاع مقدس کمک مالی و جانی می‌کردند و به دادن آزاده و جانباز و شهید مباحث می‌نمودند.

در پدیدارهایی که فوقاً بر مردم اثری از اعداد و ارقام گزارشهای بانک مرکزی یا عملکرد وزارتخانه‌های صنعتی و اقتصادی وجود ندارد. همه اینها حقایق تلخ اجتماعی- فرهنگی بود که آثار و تبعات اقتصادی دارد. و در جوامعی که چنین پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی نمایان شود به زحمت می‌توان مدعی سلامت اقتصادی جامعه بود.

با توجه به مراتب فوق باید اعتراف کنیم که از زمان پذیرش قطعنامه، یعنی از آغاز دوران سازندگی تا کنون سرمایه‌گذارهای سنگینی در قسمتهای زیربنایی صنایع مختلف صورت گرفته و ارکان اصلی صنایع گوناگونی در کشور پایه‌گذاری شده است. بخش وسیعی از کالاهای مصرفی موجود در بازار توسط همین صنایع داخلی تولید می‌شود. میزان واردات این کالاها از خارج به صورت چشمگیری کم شده است. تعداد واحدهای صنعتی و کارخانه‌های کشور افزایش چشمگیری نشان می‌دهد. ساختمانهای زیادی برای ادارات دولتی ساخته شده. کمتر کشوری را می‌توان یافت که قریب یکصد و بیست پروژه سلسازی که نزدیک به پنجاه تای آنها همزمان در شرف اتمام باشد بدست گرفته باشد. و اینهمه مولد برق و منابع برق آبی، صنایع سنگین، ذوب آهن و فولاد آلیاژی، تولیدات متنوع معدنی و صنعتی و کشاورزی را به موازات بازسازی خرابیهای جنگ درست کرده باشد. در بخش بهداشت و درمان، توسعه دانشگاهها و دانشکده‌های پزشکی و دیگر مراکز آموزش عالی فرصتهای بسیار وسیع توسعه نیروی انسانی فراهم شده در سطح آموزش ابتدائی و راهنمایی و متوسطه نیز همین سازندگیهای مجزوه‌آسا به چشم می‌خورد. در آغاز سال تحصیلی امسال با صدای زنگ مدارس بیش از نوزده میلیون دانش‌آموز و دانشجوی راهی مدرسه و دانشگاه شدند. نهضت سوادآموزی در ریشه‌کن کردن بی‌سوادی توفیقات واقعاً افتخارآمیزی داشته. در کنار همه این توفیقات صنعتی، خدماتی و آموزشی ضایعات فرهنگی- اجتماعی را هم که اشاره کردیم غیرقابل انکارند. بنابراین ماهیت و اهداف برنامه پنجساله سوم ناگزیر است که با برنامه‌های اول و دوم تفاوت‌های اساسی داشته باشد.

در برنامه سوم تأسیسات زیربنائی و برپا کردن واحدهای صنعتی و کارخانجات گوناگون فعلی لزومی نخواهد داشت. اولین اولویت برنامه سوم رفع همایان نواقص و ضایعات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که قبلاً از آنها نام بردیم. مشکل اصلی جامعه ما در حال حاضر مدیریتی است نه اقتصادی. ایجاد اشتغال، پر کردن فواصل طبقاتی، اصلاح عاجل

نظام اداری، هدایت سرمایه‌ها به سوی فعالیتهای تولیدی و خدماتی، بازسازی و تقویت پژوهش به اقتضای نیازهای گوناگون کشور، هدایت استعدادهای درخشان و نخبگانی که پیروزمندان در جبهه‌های فکری المپیادها افتخار می‌آفرینند. تمرکز بر کیفیت کالاهای صادراتی که بتوانند در بازارهای جهانی سهم ایران را حفظ نمایند و صدها مسئله اقتصادی و فرهنگی دیگر که از ذکر آنها خودداری می‌کنیم از جمله اهداف برنامه سوم خواهد بود. و همه این مسائل و نیازها اصالتاً ماهیت مدیریتی و برنامه‌ریزی دارند. اگر نظام اداری کشور را متعق و کارا تنظیم کنیم همه این نیازها در برنامه سوم انشالله بر طرف خواهند شد. شاید لازم به تذکر باشد که بخش وسیعی از مشکلات مثل اشتغال جوانان، مبارزه با اعتیاد، اصلاح شبکه اجرایی و اداری کشور و ریشه‌کن کردن مفاسد فرهنگی از اولویتهای فوری و فوری‌تری می‌باشند که رئیس‌جمهور آینده بلافاصله باید برای مواجهه با آنها بصورت جدی دست به کار شود. زیرا دسترسی به اهداف مقدس یک نظام اسلامی با روشها و وسایل حرام و غیرمشروع قابل توجیه نیست. و لذا اولین قدم عبارتست از اصلاح نظام اداری که از سه ضعف اساسی رنج می‌برد:

۱- فساد اداری یا رشوه‌خواری

۲- کمبود محسوس کارآیی به دلایل یخت شدن و گسترده‌گی بیش از حد، کهنگی روشها و فقدان افزارهای جدی نظارت و کنترل، تشویق و تنبیه

۳- عدم انسجام در کلان‌مدیریت که موجب ناهماهنگی در پیکره اصلی قوه مجریه و بروز تعارض و اختلاف و عدم همکاری در بین وزارتخانه‌های دولت می‌شود.

برای حل مشکلات سه گانه فوق باید قدرت خرید کارمندان و کارکنان کشور را متناسب با هزینه‌های کالا و خدماتی که دریافت می‌کنند افزایش داد و امنیت شغلی و در عین حال دستگاههای نظارتی و اصل تشویق و تنبیه جدی را بر شبکه اداری کشور ناظر و حاکم کرد.

در کلان‌مدیریت نیز ضرورت دارد که انسجام و هماهنگی لازم را بصورتی معرفی نمود که کلیه وزارتخانه‌ها خود را مجری یک فکر و یک برنامه و متوجه هدف مشترک بدانند و لذا بجای ناهماهنگی و تعارض، همکاری و متمم و مکمل یکدیگر باشند. شاید ضرورتی نداشته باشد که شواهد زنده‌ای از اختلافات و تعارضات وزارتخانه‌های مختلف و ناهماهنگیها و ضایعات اقتصادی ناشی از آن تعارضات ارائه دهیم. اجمالاً اینکه رقابتها و مسابقات مخرب درون‌دولت مبنای نظری دارد. دولت شبکه اجرایی واحدی است که مسئولیت اجرای برنامه واحدی را بر عهده دارد. وزارتخانه‌های مختلف باید حاصل تقسیم کار دولت

باشند نه اینکه مجمع الجزایری از قدرت سیاسی و برنامه‌ریزی که تصادفاً به دعوت رئیس دولت گرد یک میز جمع شده‌اند. همگی اجزاء مختلف یک سیستم هماهنگ و همراهند. در چنین پنداری از دولت، مفهوم سبقت گرفتن از برنامه که در جامعه ما متأسفانه مایه افتخار است به معنی بر هم ریختن برنامه است، درست مثل این است که یکی از چرخهای ماشین دولت سریعتر از دیگران و جلوتر از دیگران حرکت کند. که قطعاً به صلاح ماشین و سرنشینان آن نیست.

ایجاد امنیت اقتصادی و انسجام اقتصادی نیز از اهداف اساسی و از وظائف رئیس‌جمهور آینده است. تجدید نشاط در دانشگاهها از طریق تقویت و توسعه پژوهش که هم مولد علم و تکنولوژی است و هم فراهم‌کننده نیروی متخصص و کارآمد برای کشور از اولویتهای اول دولت آینده است. خرید تکنولوژی از خارج کار مدیران ناآشنا به روشهای علمی است. اجتناب از عوامزدگی و روی آوردن به روشهای علمی مدیریت و اعتماد به دانش و پژوهش بومی لازمه مدیریت درست و اساس فرهنگ سازندگی است. حتی خرید تکنولوژی و سخت‌افزارهای صنعتی هم بدون مشاوره دانشمندان و دانش‌پژوهان حتماً به زیان کشور است. دنیای امروز با علم اداره می‌شود. خداوند متعال هم جهان را با علم اداره می‌کند. پشت کردن به دانشگاهها و مهمل گذاشتن توان علمی و پژوهشی آنها کل شبکه اجرایی دولت را از یک ماشین قوی سازندگی به افزاری تدارکاتی که جز خرید کاری نمی‌داند تبدیل می‌کند. قدرت کشورهای جهان بسته به میزان و مستوای تحقیقات آنهاست. کشورهایی در حد جمعیت و منابع فرهنگی ما هزاران میلیارد دلار در پژوهش سرمایه‌گذاری می‌کنند. و ما با رقم بسیار ضعیف مفلوک ۳ میلیون دلار دل خوش کرده‌ایم.

دولت قوی، مستقل و بخود متکی، دولتی است که دانشگاههایش را به مغز مولد و متفکر صنعت و اقتصاد و فرهنگ جامعه تبدیل کند و صنایع و نهادهای اقتصادی و فرهنگی جامعه را تأمین‌کننده منابع پژوهشی و خریدار موزع تولیدات علمی دانشگاههایش کند. مادام که رابطه دانشگاهها با صنایع و نهادهای اقتصادی و فرهنگی کشور بصورت رابطه داد و ستد ضروری و غیرقابل اجتناب درنیاید، مادام که دولت‌مردان با خرید تکنولوژی، ماشین‌آلات و فیلم و دیگر کالاهای صنعتی و اقتصادی و فرهنگی دل خوش کرده باشند و یقین نداشته باشند که وصول به سازندگی و توسعه فرهنگی و اجتماعی جز از طریق دانشگاهها امکان ندارد، بجائی نخواهند رسید، حتی اگر همه امکانات و منابع مالی کشور را به ماشین‌آلات و ساختمان و اسفالت و پل و فرودگاه تبدیل کنند. سازندگی اساساً یک فرهنگ مبتنی بر تحقیقات علمی است که سرمایه اصلی آن فکر است نه آهن‌آلات و گچ

و سیمان و قیر و دود، و تخریب منابع حیاتی. دولت آینده موظف است نه تنها دست استعانت به سوی نهادهای علمی کشور دراز کند بلکه علم ستیزی و علم گریزیهائی را که در خلال سنوات گذشته شاهد آن بوده‌ایم جبران نماید.

اجرای یک برنامه دقیق تنظیم خانواده برای کنترل شدید افزایش جمعیت از ضروری‌ترین برنامه‌های دولت آینده است. اگر تعداد جمعیت کشور به همین صورت انفجارآمیز کنونی در حال تکثیر و گسترش باشد، برنامه‌ریزی معنی ندارد. اگر امکانات و منابع کشور را چند برابر هم بکنیم باز به گردش نخواهیم رسید. از اول انقلاب تا کنون که جمعیت کشورمان را تقریباً صد در صد افزایش داده‌ایم، جمعیت کشورهایی که آنها را دشمن قسم خورده انقلابمان می‌دانیم تقریباً ثابت بوده. یعنی اگر هیچ کوششی و پیشرفتی هم نکرده باشند قدرت سرانه آنها به نسبت ما دو برابر شده است. ما که ندانسته کارائی ملی خودمان را در ظرف این مدت حداقل به نصف تقلیل داده‌ایم چه امیدی به پیروزی می‌توانیم داشته باشیم. بخش بسیار عمده تورم و مشکلات و نابسامانیهای اقتصادی کشور معلول رشد بی‌رویه جمعیت است و لذا کنترل جمعیت شرط اصلی برنامه‌ریزی موفق و امیدبخش است.

و بالاخره تشنج‌زدائی در روابط خارجی کشور و توسعه روابط معقول و با اعتماد به نفس با دنیا لازمه پبازندگی، تولید، تبادل فرهنگی و رسانیدن پیام اسلام به گوشه‌های شنوای همه کشورهاست. مرزهای سنتی کشورها با توسعه وسیع ارتباطات رقیقتر و شفافتر می‌شود. جهانی کردن اقتصاد ملی از اصطلاحات جا افتاده و شناخته شده است. در دنیای امروز فرهنگ منزوی، اقتصاد منزوی و سیاست منزوی راهی به سوی نشاط، فعالیت و حیات ندارد. همکاری بین‌المللی و توسعه روابط درست و حساب شده با دنیا را نباید با سرسپردگی، انقیاد و تسلیم اشتباه کرد. همه مردم ایران اقتدار ملی و استقلال کشورشان را

دوست می‌دارند، اما بین حفظ استقلال و حاکمیت ملی و جدا کردن پیکره جامعه از ارتباطات و مبادلات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جهان فرق می‌گذارند. البته رعایت موازین عزت، حکمت و مصلحت که مقام معظم رهبری واجب شمرده‌اند اساس اتخاذ تصمیم در سیاست خارجی است. منتها در شبکه ارتباط کنونی جهان که با رشد سریع دانش الکترونیک و ارتباطات شتابان به پیش هم می‌رود هیچ قومی نمی‌تواند از جامعه جهانی و ارتباطات غیرقابل اجتناب آن روگردان شود. بهترین انتخاب، حضور در صحنه حفظ ارتباطات و توسعه همکاریهای متقابل است. توان ملی و قدرت مدیریت لازم‌هاش حضور در صحنه جهانی و تقویت روابط خارجی است. این هرگز به معنی تطبیق و تشبیه یا تبعیت و انقیاد از سیاستهای دیگران نیست. در گذشته کشورهایی چون افریقای جنوبی بسخاطر آئین‌های نژادپرستانه و غیرانسانی مطرود ماندند. در حال حاضر هم نژادپرستیهای صهیونیستی و سیاستهای تجاوزگرانه اسرائیل همچنان مطرود و محکوم به فناست. شکست نهائی مذاکرات صلح نیز شاهد زنده این مدعاست. اما توسعه روابط خارجی جمهوری اسلامی و تشنج‌زدائی در روابط جمهوری اسلامی با کشورهای جهان را نمی‌توان معارض با اصول عزت، حکمت و مصلحت دانست.

بخش بسیار وسیعی از اهداف روابط اقتصادی، و سیاسی و تبلیغات فرهنگی جمهوری اسلامی را می‌توان با توسعه صنعت جهانگردی که از جمله منابع بسیار غنی ولی راكد درآمدی کشور است تأمین نمود. مسافرت فرهنگ‌شناسان و ایران‌دوستان جهان به جمهوری اسلامی و دیدار ایشان از سازندگیهای افتخارآمیز گذشته و پیشرفتهای معاصر جامعه ایرانی از بهترین روشهای خشنی کردن تبلیغات سوء و شایعه‌سازیهائی ناروا علیه جمهوری اسلامی است. بیم از آلودگیهای فرهنگی توسعه جهانگردی معمولاً ناشی از کم اطلاعی است، هیچکس برای شرب خمر

و لهور و لعب عشرت‌تکده‌های غرب را رها نمی‌کند. سیاحتی که به جمهوری اسلامی ایران سفر می‌کنند به آرزوی دیدار آثار تاریخی و بقایای فرهنگی کهنسال ما به کشور ما روی می‌آورند. دولت آینده باید فرصت اینگونه دیدارهای فرهنگی و آشنائی با گذشته و حال ایران را برای فرهنگ دوستان جهان فراهم نماید که هنرمندان، صنعتگران خلاق و اصناف و کشاورزان ایرانی هم بتوانند کالاها و تولیدات با ارزش خود را بی‌واسطه به طالبان و خریداران دیگر کشورهای جهان عرضه نمایند.

انگیزه‌های امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی، رعایت آزادیهای اساسی در حضور میهمانان خارجی اصولاً قویتر است و اثر تعیین‌کننده توسعه صنعت جهانگردی در رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال و افزایش درآمد ملی هم نیازی به توضیح ندارد.

از جمله اهداف مهم اجتماعی دولت آینده قطعاً توجه به حقوق اجتماعی بانوان است. در ایران هنگامی که صحبت حقوق زن می‌شود، بلافاصله اذهان به حقوق زن در چهارچوب خانواده و در برابر شوهر می‌پردازند. زن به عنوان یک انسان، به عنوان یک همسر حقوق و شئون اجتماعی واجب الاحترام دارد. حقوق بانوان ایرانی که منحصر به حقوق خانوادگی نیست. حقوق اجتماعی، فرصتهای برابر در اشتغال، دسترسی به مناصب و مسئولیتهای سیاسی، اجتماعی و مدیریتی و شناختن منزلت اجتماعی و اخلاقی خانمها در جامعه از جمله اهم اهداف فرهنگی و اجتماعی دولت آینده است. دولت آینده موظف است به نصف جمعیت کشور و تأمین نیازهای فرهنگی، اقتصادی و پایگاه اجتماعی این قشر عظیم توجه کافی مبذول نماید. و اطمینان داشته باشد که علاقه خانمهای ایران به ایران کمتر از علاقه و تعهد آقایان نیست. به امید توفیق بیشتر برای مردم عزیز و شهروندان کوشا و هوشمند جمهوری اسلامیان.

والسلام

پاسخهای آقای سید رضا زوارهای

●●● مساهنامه وزین گزارش: بسعت مسافرت و اشتغالات زیاد اداری تنظیم پاسخ سئوالات با تأخیر روبرو گردید، البته آنچه در زیر می‌آید به علت ضیق وقت بصورت فشرده و اجمالی بیان شده، امید است

برخورداری از امکانات محدود موجب به تأخیر افتادن ارائه پاسخها شد. مهذا در آخرین لحظاتی که صفحات مجله آماده ارائه به بخشهای فنی برای چاپ بود، پاسخهای ایشان را دریافت کردیم که ذیلاً مطالعه می‌کنید:

آقای سید رضا زوارهای از همان ابتدای دریافت پرسشهای دهگانه «گزارش» با علاقمندی، و با اذعان به این که برای مطبوعات و افکار عمومی اهمیت خاص قائلند پذیرفتند پاسخهایشان را ارائه دهند. اما گرفتاریهای شغلی از یک سو، مسافرتها و نیز

وزنه هفتمین انتخابات ریاست جمهوری